

تحلیل ژئوپلیتیکی روابط ایران و تونس بعد از وقایع بهار عربی

ریحانه صالح آبادی^{*۱}

۱- پژوهشگر پسادکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۶

چکیده

منطقه شمال آفریقا و خاورمیانه یکی از مناطق مهم ژئوپلیتیکی محسوب می‌گردد که از دیرباز تاکنون مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار داشته است. در این منطقه تونس یکی از کشورهای مهم از منظر ژئوپلیتیکی محسوب می‌گردد. زیرا تونس در روزهای پایانی سال ۲۰۱۰ به علت خودسوزی جوانی به نام محمد بوعزیزی شاهد اعتراضات گسترده‌ای بود که در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ میلادی با فرار بن علی وارد فاز جدیدی شد. تونس در زمان بن علی روابط بسیار نزدیکی با کشورهای ایالات متحده آمریکا و فرانسه داشت؛ اما بعد از اعتراضات مردمی، این کشورها خواستار قبول تحولات ساختاری در این کشور شدند. در این بین جمهوری اسلامی ایران نیز به دلیل قرابت تاریخی، مذهبی، فرهنگی بعد از وقوع انقلاب در این کشور باب مناسبات را با تونس باز نمود. از این رو می‌توان شاهد گسترش روابط بین دو کشور در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی بود. از این رو این نوشتار درصدد پاسخگویی به این پرسش است، که چه عواملی در روابط ژئوپلیتیکی ایران و تونس در دوران بعد از بهار عربی موثرند؟ در راستای پاسخگویی به سوال تحقیق در پژوهش حاضر، از روش توصیفی-تحلیلی و از تکنیک دیمتال بهره گرفته شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که متغیرهایی مانند توسعه تجارت، روابط دیپلماتیک، برگزاری رویدادهای فرهنگی، افزایش حساسیت‌های کشورهای عربی نسبت به ایران، گفتگوها و قراردادهای اقتصادی استراتژیک، انجمن‌ها و اتحادهای شیعیان در تونس، تشیع در تونس، دیپلماسی فرهنگی و ... در منطقه نشان دهنده اهمیت بالایی در روابط بین دو کشور بعد از بهار عربی بوده است. بنابر این جمهوری اسلامی ایران برای موفقیت در روابط خود با تونس باید از عوامل اقتصادی و تشیع خود بیشترین بهره برداری را می‌نمود.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، بهار عربی، ایران و تونس.

* Email: std_raissadat@khu.ac.ir

مقدمه

اعتراض به عنوان پایه اصلی جنبش‌های اجتماعی که خطر جنگ‌های داخلی یا درگیری را افزایش می‌دهد، شناسایی شده است. علل این درگیری‌ها تحت تأثیر دو عامل است. از یک طرف، ناتوانی مقامات در برآورده ساختن مطالبات مستمر شهروندان به نارضایتی آنها کمک کرده است. (Fisher 2004: 567, Collier and Hoeffler 1990; 94) از سوی دیگر، ناتوانی دولت در مهار قیام‌ها که از یک رویکرد مسالمت آمیز ناشی می‌شود. این عامل منجر به واکنش دولت با خشونت می‌شود که بیشتر به درگیری دامن می‌زند. (Mello, 2010: 298). چشم انداز سیاسی کشورهای عربی به طور قابل توجهی تحت تأثیر رویدادهای موسوم به بهار عربی شکل گرفته است. پس از دهه‌ها اقتدارگرایی همراه با سرکوب سیاسی و مدنی، احساس نارضایتی و ناامیدی در میان ساکنان کشورهای عربی ایجاد شد. در این بین جنبش‌ها در تونس زمانی آغاز شد که تظاهرات توده‌ای علیه دیکتاتوری طولانی مدت حاکمان ظالم به راه افتاد. (Barakat, 2021: 286) این امر الهام بخش دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا شد تا دستخوش جنبش‌های مشابهی شوند و این کنشگری را اتخاذ و آن را به ابزاری قدرتمند تبدیل کردند که بعداً در قالب قیام‌های محلی به بلوغ رسید. در نتیجه، این شورش‌ها، فضای سیاسی منطقه را تغییر داد. (McKay, 2011: 5) بیشتر تظاهرات در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با اقدامات وحشیانه دولت مانند لیبی و مصر سرکوب شد، در حالی که در موارد دیگر مداخلات غیرخشونت آمیز مانند تونس انجام شد. نیروهای محرکه انقلاب تونس شامل فساد سیاسی و خویشاوندی اعمال شده توسط دیکتاتور، زین العابدین بن علی، تورم در قیمت مواد غذایی، بیکاری بالا، و به طور کلی شرایط بد زندگی (Pollock, 2013) دارا نبودن آزادی بیان برای شهروندان بود.

دهه ۲۰۱۱-۲۰۲۱ تونس را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد: معرفی دموکراسی، سقوط یک دولت نیمه سوسیالیستی، وخامت شرایط اقتصادی شهروندان، ظهور (و سقوط) تروریسم، و همه گیری کووید-۱۹. بحران موسوم به بهار عربی در ژانویه ۲۰۱۱ در تونس آغاز شد، زمانی که تظاهرات علیه رئیس جمهور بن علی شدت گرفت که بر اساس این مفهوم ساخته شده بود که این یک دهه هرج و مرج سیاسی بوده است و دموکراسی هرگز تحقق نیافته و کشور باید از نو بازسازی شود. این عامل به عنوان یک تغییر رادیکال با تمایلات اجتماعی قبل از ۲۰۲۱ تونس است. چندین بحران فرعی در بحران بزرگتر (یعنی در طول انتخابات ۲۰۱۱ و ۲۰۱۴، پس از ترورهای سیاسی ۲۰۱۳، در

سال ۲۰۱۹) نیز وجود داشت، زمانی که سیاستمداران توقعات را بالا می‌بردند و یکدیگر را تهدید می‌کردند و اغلب حامیان خود را برای بروز تنش و درگیری در راستای تأمین اهداف و منافع خود بسیج می‌کردند.

بعد از وقایع بهار عربی در تونس یکی از کشورهای که توانسته است از نقش ژئوپلیتیکی منحصر به فردی در این کشور برخوردار شود جمهوری اسلامی ایران بوده است. منافع و ارزش‌های ایران در واکنش به خیزش‌های مردمی موسوم به بهار عربی اهمیت زیادی داشته است. چالش اصلی ایران در مواجهه با این بحران‌های منطقه‌ای، ایجاد توازن بین این دو محرک متفاوت در اجرای سیاست خارجی خود بوده است. در خصوص حفظ منافع ایران، اهمیت رویدادهای اخیر عمدتاً ناشی از تأثیرات تغییر، پیش از هر چیز تغییر دولت‌های کنونی بر روابط دوجانبه با ایران و ثبات منطقه، مسائل مربوط به موازنه قوای منطقه‌ای و نقش منطقه‌ای است. در خصوص تونس باید بیان نمود که ایران به دنبال حفظ منافع خود در این کشور بوده است. این کشور از منظر ژئوپلیتیکی در منطقه حساس جغرافیایی در کنار دریای مدیترانه قرار دارد و به عنوان دروازه ورود به شمال آفریقا و جنوب اروپا محسوب می‌گردد از این رو می‌تواند برای ایران موقعیت بسزایی را برای ورود به دو قاره سیاه و سبز فراهم آورد. از سویی دیگر اشتراکات مذهبی بین دو کشور بسیار عمیق و ریشه‌ای است که می‌تواند زمینه ساز تعاملات بسیاری گردد. به عنوان مثال ایران در دوران ریاست جمهوری المرزوقی علاقه بی‌سابقه‌ای به تونس داشت که باعث ایجاد روابط صمیمانه بین دو کشور شد. در دوران المرزوقی تجارت در بعد خودرو، مواد غذایی، صنعتی/شیمیایی و کالاهای مصرفی محور اصلی روابط ایران و تونس بود. ایران در سال ۱۳۹۰ یک میلیون و ۳۹۷ هزار و ۵۲۰، در سال ۲۰۱۵ ، ۲۰۴۹۷۷ و در سال ۲۰۱۶، ۳۹۳۲۶۹۶ صادرات داشته است. (Fakher, 2019; 45) در بعد فرهنگی نیز می‌توان بیان نمود که وقتی انقلاب تونس به وقوع پیوست مقامات ایرانی و هم‌تایان تونس اقدامات دیپلماتیک فراوان برای تبلیغ دینی روابط فرهنگی دوجانبه انجام دادند. به عنوان مثال در سال ۱۳۹۶ گفتگوی فرهنگی در پرورش تفاهم بین دو ملت در همکاری برای مبارزه با تروریسم شکل گرفت. از این رو سؤال اصلی تحقیق بدین صورت مطرح می‌گردد که محورهای روابط ژئوپلیتیکی ایران و تونس در دوران بعد از بهار عربی چه مواردی هستند؟

مبانی نظری تحلیل ژئوپلیتیک

تعریف علمی ژئوپلیتیک در قالب یک مفهوم ترکیبی قابل تبیین است که در آن سه عنصر اصلی جغرافیا، قدرت و سیاست دارای خصلتی ذاتی هستند. (حافظنیا، ۱۳۷۹: ۸۴) بنابراین می‌توان گفت ژئوپلیتیک عبارت است از علم روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنشهای ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر. (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۲۵) از نظر پیترز^۱ (۱۹۹۹) اصطلاح ژئوپلیتیک به عنوان یک مؤلفه اساسی در سیاست خارجی کشورهای غربی در طول جنگ سرد محسوب می‌شد. زیرا این اصطلاح بیان‌کننده مفهومی برای تبیین رقابت در حوزه‌های نفوذ ناشی از تنگنای استراتژیک کشورهای غربی از سوی اتحاد جماهیر شوروی محسوب می‌شد. در دهه ۱۹۹۰ و دوران پس از جنگ سرد، آرمانگرایی لیبرال تقویت شد و این نگرش بیان می‌نمود که پایان مرزبندی‌های سیاسی فرا رسیده است و گسترش دموکراسی به عنوان امری اجتناب‌ناپذیر مطرح می‌باشد که سبب شده است تا دنیا به یک دهکده کوچک تبدیل شود. فرانسیس فوکویاما استدلال نموده است که پیروزی دموکراسی لیبرال غربی و بازار آزاد سبب ایجاد شکل جدید از جهان شده است. جایی که جغرافیا و مرزها از اهمیت کمتری برخوردار هستند و در این بین موضوعات مرتبط با مسائل ملی باعث ایجاد نسل جدید از تهدیدات از جمله جرائم سازمان یافته، تروریسم و ... شده است. این امر باعث تضعیف حاکمیت دولت‌ها در برابر تهدیدات دنیای جدید که دیگر به مرزها احترام نمی‌گذارد شده است. (Petta, 2019: 45)

تبیین رابطه بین هر متغیر سیاسی و فضایی - مکانی، به نحوی که رقابت بخشی از آن رابطه، پیوسته با قدرت نیز در ارتباط باشد، یک تحلیل ژئوپلیتیکی است. فضا هنگامی که با ماهیت سیاسی تولید می‌شود، رقابتی می‌گردد و از کارکردهای قدرت متأثر گشته است. چنین فضایی یک فضای ژئوپلیتیکی است که کانون تحلیل‌های ژئوپلیتیکی نیز می‌باشد. بنابراین تحلیل ژئوپلیتیکی عبارت است از تبیین شرایط و وضعیت پدیده‌های ژئوپلیتیکی با استفاده از تکیه‌گاه‌های استدلالی ژئوپلیتیکی. در تحلیل‌های ژئوپلیتیکی قرائت و خوانش سیاسی از فضاها و جغرافیایی که با استفاده از قدرت بر سر آن رقابت می‌شود معمولاً مشاهده می‌گردد.

به عنوان نتیجه باید بیان نمود تحلیل ژئوپلیتیک یک حوزه پیچیده و همیشه در حال تکامل است و تحلیلگر ژئوپلیتیک باید به طور مداوم دانش خود را به روز کند تا دقیق‌ترین و به‌روزترین بینش را ارائه دهد. به طور کلی، ژئوپلیتیک تعامل بین جغرافیای یک منطقه و تاریخ متمایز، هویت فرهنگی آن، و الزامات و محدودیت‌های خاصی را که بر آن تأثیر می‌گذارد، مطالعه می‌کند. تحلیلگران نیروهای فراگیر را بررسی می‌کنند که بر توانایی یک کشور برای پاسخ به شرایط و کاهش خطرات تأثیر می‌گذارد. آنها همچنین نحوه تعامل یک منطقه یا دولت-ملت با همسایگان اطراف و نیروهای سیاسی، نظامی و اقتصادی جهانی را در نظر می‌گیرند. تحلیلگران ژئوپلیتیک از این اطلاعات برای درک و حتی پیش‌بینی چگونگی توسعه یک منطقه بر اساس این عوامل استفاده می‌کنند. با درک عوامل ژئوپلیتیکی که یک منطقه را شکل می‌دهند، تحلیلگران می‌توانند بینش‌های ارزشمندی در مورد پیامدهای بالقوه رویدادهای فعلی و آینده ارائه دهند. در نهایت باید گفت یک تحلیل ژئوپلیتیکی پذیرای هر گونه اندیشه پروری از منظر حوزه‌های سیاست و قدرت است به شرطی که پیچیدگی‌های جغرافیایی، بخشی از آن باشد. بنابراین اگر یک الگوی پویای ژئوپلیتیکی، جانشین الگوی ایستا شود می‌تواند تا حد زیادی تصمیم‌گیرندگان سیاسی را در قاعده‌بندی طرح‌های بلند مدت رهنمون شود.

بهار عربی

اولین کاربرد دقیق عبارت بهار عربی برای نشان دادن قیام‌های عربی توسط مجله علمی سیاسی ایالات متحده Foreign Policy آغاز شد. مارک لینچ، دانشمند علوم سیاسی آمریکایی بود که از این عبارت در مقاله خود در مجله فارین پالیسی استفاده کرد. بهار عربی نهضت خشونت‌آمیزی بود که از تونس در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰ آغاز شد و در سراسر جهان عرب گسترش یافت. (Abusharif, 2014) این برخلاف قوانین استبدادی بلندمدت حاکمان مستبد، وضعیت اضطراری مستمری که پلیس و وزارت کشور در آن قرار داشتند قدرت بیش از حد برای سرکوب مردم، بیکاری، فقر، تورم و غیره بود. از رسانه‌های اجتماعی در همه کشورهایی که این اعتراضات در آنجا برگزار شد، استفاده شد و مورد توجه جامعه جهانی و تمام رژیم‌هایی قرار گرفت که تحت تأثیر این عامل قرار داشتند. بهار عربی به شدت از قدرت خود برای سرکوب تظاهرکنندگان استفاده کرد. در نتیجه معترضان

مسالمت آمیز نیز به خشونت کشیده شدند. شعار مشترک تظاهرکنندگان در سرتاسر بهار عربی این بود که «مردم می‌خواهند رژیم‌های استبدادی را حذف نمایند.» (Aissa, 2012)

در واقع بهار عربی به قیام‌هایی اطلاق می‌شد که در بهار و تابستان ۲۰۱۱ در خاورمیانه رخ داد. این تظاهرات در تونس، مصر، مراکش، لیبی، یمن، بحرین، سوریه و اردن اتفاق افتاد. در ارتباط با دلیل این رخداد باید بیان نمود که دموکراسی‌سازی معمولاً به دلیل فرهنگ و زبان مشترک در دسته‌های جغرافیایی رخ می‌دهد. گراند انتقال آرمان‌های دموکراتیک در مناطق جغرافیایی را مورد بحث قرار می‌دهد: «وقتی یک کشور دیکتاتوری را سرنگون می‌کند، شهروندان کشورهای دیگر که زبان مشترکی دارند - یا حداقل اشتراکات در زبان و فرهنگ - بیشتر در مورد آن می‌شنوند. گراند می‌نویسد: «نمی‌توان گفت بهار عربی به دنبال یک رژیم عربی کاملاً دموکراتیک است.» (Pollack, 2011: 3) گراند همچنین خاطر نشان می‌کند که سایر کشورهای عربی شروع به اعتراض نمودند، زیرا آن یک تجربه دموکراتیک ناپایدار است، مانند دولت فلسطین در کرانه باختری که خواستار برگزاری انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۰۶ شد. او اغلب بهار عربی را به عنوان یک فرصت امپریالیستی برای آمریکا می‌داند. به گفته بسیاری از منابع، بهار عربی در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ در تونس پس از خودسوزی یک میوه فروش به نام محمد بوعزیزی در نتیجه درگیری با پلیس و مقامات دولتی آغاز شد. ناامیدی او زمانی شروع شد که گاری بوعزیزی و کالاهایش توسط پلیس مصادره شد و پلیس شروع به سرزنش و آزار و اذیت او کرد. او برای طرح شکایت به یکی از ساختمان‌های دولتی رفت، اما با موانع بسیاری مواجه شد و بعداً به ساختمان بازگشت و در اعتراض در بیرون از ساختمان خودسوزی کرد. (Abouzeid, 2011: 5) قیام‌های گسترده در سایر کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا تا سال ۲۰۱۱ شدت گرفت و ادامه یافت. نارضایتی از سیاست به ویژه شرایط اجتماعی و اقتصادی منبع مشترک و اصلی ناامیدی در میان معترضان بود. مانند بسیاری از جنبش‌های اجتماعی جهانی، بی‌حقوقی کاتالیزوری بود که اعتراضات گسترده‌ای را آغاز کرد و اشتراکاتی را با مردم از هر طبقه‌ای ایجاد کرد.

بیداری اسلامی در تونس

شعله‌ور شدن آتش انقلاب تونس از ایالت «سیدی بوزید» و کشیده شدن آن به «تاله» و «قصرین»، قبل از اینکه به شهرهای مرکزی تونس و صفاقس برسد، به شکلی واضح نشان دهنده بحران رشد

نابرابر و شکاف وسیع بین مرکز و پیرامون در این کشور بود. در حالیکه استان‌های داخلی در غرب و جنوب با کمبود سرمایه‌گذاری خدمات و مشاغل مواجه بودند، ۸۰ درصد از سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی در مناطق ساحلی، شمالی و شرقی کشور انجام شده بود. در حالی که طبق آمارهای رسمی، متوسط میزان بیکاری در کشور بین ۱۳ تا ۱۶ درصد در نوسان بود، میزان بیکاری در ایالت‌های سیدی بوزید به ۳۰ درصد می‌رسید. تونس همچنین شاهد شکاف اقتصادی بین طبقات اجتماعی مختلف بود، در حالی که طبقه سرمایه‌دار بیشترین نفع را از توسعه اقتصادی می‌برد. (Report for Tunisia, 1996-2009) حوادث تونس همچنین نشان دهنده بحران فساد در بین نخبگان حاکم در کشور بود؛ به گونه‌ای که ثروت، قدرت و خاندان بن علی ارتباط تنگاتنگی باهم داشتند و از سوی دیگر، هیچ مکانیسمی برای حسابرسی وجود نداشت که نتیجه این وضعیت، شیوع فساد گسترده و ظهور طبقه‌ای بود که از روابط خود با صاحبان قدرت برای رسیدن به ثروت‌های بی‌حد و حصر استفاده کردند. گفته می‌شود هفت خانواده با خانواده بن علی رابطه نسبی و سببی داشتند، و در رأس آنها خانواده لیلی طرابلسی، همسر بن علی، قدرت سیاسی و اقتصادی کشور را در دست داشت. همچنین خبرهای منتشر شده مبنی بر این که برنامه‌هایی وجود داشته که قدرت در آینده به همسر یا داماد رئیس جمهور منتقل شود و همین موضوع به بحران مشروعیت نظام سیاسی تونس در سال‌های اخیر شدت بخشیده است.

پیشینه تحقیق

کوزنتوز (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «انقلاب یأس در تونس و تولد قیام‌های بهار عربی» علل داخلی و خارجی این انقلاب، سیر آن، ویژگی‌های جنبش انقلابی و نتایج انقلاب تونس و توسعه کشور پس از آن را بیان می‌کند. انقلاب تونس ۲۰۱۰-۲۰۱۱ موج انقلابی بهار عربی را به راه انداخت و تحولی اساسی در نظام سیاسی تونس رقم زد که طی ده سال آینده توانست از اقتدارگرایی به یک دموکراسی تثبیت نشده حرکت کند. اگرچه رویدادهای پایان سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱ برای کل جامعه جهانی و نیروهای سیاسی تونس غافلگیرکننده بود، اما یک تحلیل گذشته نگر نشان می‌دهد که بحران رژیم در چند سال گذشته، حداقل از سال ۲۰۰۸، در حال افزایش بوده است. جنبش اعتراضی که خود به خود در حال توسعه بود، هم دولت و هم نیروهای سیاسی مخالف مخالف، و هم سازمان‌های جامعه مدنی، در درجه اول اتحادیه‌های کارگری، را وادار به واکنش کرد. تاکتیک‌هایی

که بازیگران سیاسی مختلف انتخاب می‌کردند با توجه به ویژگی‌های تجربه تاریخی، ایدئولوژی و جایگاه آنها در نظام سیاسی موجود تعیین می‌شد. در طول دوره پس از فرار بن علی از کشور و پایان یافتن انتخابات مجلس مؤسسان ملی در ۲۳ اکتبر ۲۰۱۱، بسیاری از بازیگران جدید، چه نهادینه شده و چه غیر نهادینه، در چشم انداز سیاسی تونس ظاهر شدند. در غیاب یک برنامه انتقالی روشن، برای مدتی طیف وسیعی از امکانات برای کشور از لغزش به سمت خشونت دائمی تا ساختن یک رژیم سیاسی کاملاً دموکراتیک مبتنی بر خودمختاری مستقیم مردمی گشوده شد. امروز پس از گذشت ۱۰ سال، بسیاری از فرصت‌های گذشته فراموش شده و بسیاری از شرکت کنندگان فعال در آن رویدادها صحنه سیاسی را ترک کرده‌اند.

عبدالرحمن (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «ایران و تونس: بررسی روابط سیاسی دو کشور ۱۹۸۹-۲۰۱۱» بیان می‌کند پژوهش حاضر به بررسی روابط ایران و تونس در بعد سیاسی در دوره زمانی ۱۹۸۹-۲۰۱۱ می‌پردازد. روابط در دوره مورد بحث با ثبات و توسعه نسبت به دوره قبل از آن و دوره بعدی متمایز بود. شاید تلاش برای برقراری ثبات در روابط دو طرف برای هر دو کشور مطلوب بود و از این رو امر در واقعیت روابط سیاسی بین آنها منعکس شد و ابعاد مختلف روابط دیگر را نیز در بر گرفت، جنبه‌های آن با بررسی پیدایش روابط در سال ۱۹۵۶ تا انقلاب تونس در سال ۲۰۱۱، با بررسی سیر روابط در دوران حبیب بورقبیه و شاه ایران، محمدرضا پهلوی که بهبود و همکاری از ویژگی‌های آن بود، آغاز شد. سپس بازتاب انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ بر روابط دو کشور که در سال ۱۹۸۷ به مرحله تنش و وقفه رسید و سپس در سال ۱۹۹۰ پس از روی کار آمدن زین العابدین بن علی به ریاست جمهوری تونس در سال ۱۹۸۹ از سر گرفته شد و تحولاتی پس از آن تا سال ۲۰۱۱ رخ داد. موضع و سیاست رسمی ایران در قبال تونس تغییراتی در قبال انقلاب، حوادث ناشی از آن و تغییرات در رژیم بن علی، کرد و این در حالی بود که هر یک از این دو کشور مواضع متفاوتی در قبال امور اعراب و به ویژه در کشورهای یمن، سوریه و کشورهای عربی خلیج فارس داشتند. تونس مخالفت خود مبنی بر عدم مداخله ایران را اعلام کرد. سپس الباجی قائد الصبسی که یکی از اعضای رژیم قدیم در دوران رئیس جمهور الحبيب بورقبیه است، ریاست تونس را بر عهده گرفت و ایده‌ها و رهنمودهای او را پذیرفت. ایجاد نگرانی و سوء ظن دولت تونس در برخورد با ایران که بر روابط دو کشور تأثیر منفی گذاشته و آنها را در وضعیتی

ناپایدار قرار داده است که با عدم اطمینان، بی اعتمادی و ناباوری به ویژه توسط دولت تونس اداره می‌شود.

بریچک (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «ثبات سیاسی و رشد اقتصادی در اقتصادهای در حال توسعه: درس‌هایی از مراکش، تونس و مصر ده سال پس از بهار عربی» بیان می‌کند در سال ۲۰۱۱، منطقه عربی شاهد یک خیزش مردمی بی‌سابقه بود که معمولاً از آن به عنوان «بهار عربی» یاد می‌شود. هدف این مقاله تحلیل عملکرد اقتصادی و تغییرات نهادی است که در مصر، تونس و مراکش پس از بهار عربی رخ داده است و درک ارتباط متقابل بین بافت اجتماعی-سیاسی از یک طرف، و عملکرد و رشد اقتصادی از طرف دیگر است. بررسی دوره‌ای با تلاطم‌های شدید به ویژه در تونس و مصر انجام شده است. این تحلیل جنبه‌های اقتصادی، نهادی، رقابت‌پذیری، محیط کسب‌وکار، زیرساخت‌ها و سرمایه انسانی در سه کشور را پوشش می‌دهد. تحلیل نشان می‌دهد که تونس، کشوری که شعله بهار عربی را برانگیخته است، بیشترین ضربه را در سطوح اقتصادی، اجتماعی و سازمانی بر پیامدهای آن وارد کرده است. استدلال شده است که اگرچه رژیم‌های استبدادی خالص از نظر تاریخی در منطقه شکست خورده‌اند، اما دموکراسی «غربی» تا کنون محدودیت‌های متعددی را هنگام اعمال در بافت منطقه عربی نشان داده است؛ زیرا به ثبات سیاسی-اجتماعی و رشد اقتصادی منجر نشده است.

متروز (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «پس از بهار عربی: سازش اسلام‌گرایان در تونس» بیان می‌کند حزب اسلام‌گرای النهضه با رأی دادن به قانون اساسی جدید تونس در ژانویه ۲۰۱۴ بسیاری از اصول را پذیرفت که با ایدئولوژی اسلام‌گرایانه در تضاد بودند. مهمتر از همه، حزب اصل آزادی آگاهی و عدم اشاره به شریعت را پذیرفت. این مقاله استدلال می‌کند که برخلاف بسیاری از نظریه‌ها در این زمینه، اسلام‌گرایان صرفاً از سر ناچاری آن را پذیرفتند. با این حال، پس از امتیازات، رهبری حزب برای ترغیب اعضای حزب به حمایت از قانون اساسی، تفسیرهای جدیدی از اسلام و اسلام‌گرایی را کشف کرد. به این ترتیب، اسلام‌گرایان ناخواسته باعث سکولاریزاسیون حوزه سیاسی در تونس شدند.

پرچمی (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «بهار عربی: فرصتی برای تهران» بیان می‌کند سال ۲۰۱۱ شاهد موج بی‌سابقه اعتراضات مردمی بودیم که پایه‌های بسیاری از رژیم‌های عربی در سراسر خاورمیانه و شمال آفریقا را لرزاند. در حالی که بسیاری از ناظران از قیام‌ها به عنوان جنبش‌هایی

برای آزادی‌های بیشتر و دموکراسی استقبال کردند، ایران ناآرامی‌ها را به عنوان «بیداری اسلامی» جشن گرفت. اولین گام‌ها در این روند در نهایت منجر به همسویی مجدد خاورمیانه بزرگ خواهد شد. این مقاله به بررسی روایت رسمی ایران می‌پردازد. سپس این مقاله به ارزیابی نقش واقعی ایران در ناآرامی‌های عربی می‌پردازد و اینکه آیا جمهوری اسلامی توانایی بهره‌برداری از «بهار عربی» را به عنوان بخشی از مبارزه تجدیدنظرطلب گسترده‌تر خود برای تضعیف نیروهای وضعیت موجود در منطقه دارد یا خیر؟

روش تحقیق

طرح پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. با توجه به اینکه تحلیل ژئوپلیتیکی روابط مفهومی سیستمی و یکپارچه است برای تعیین روابط علت و معلولی بین متغیرها از تکنیک دیمتل بهره گرفته شد. هدف تکنیک دیمتل شناسایی الگوی روابط علی میان یک دسته معیار است. این تکنیک شدت ارتباطات را به صورت امتیازدهی مورد بررسی قرار داده، بازخوردها توأم با اهمیت آنها را تجسس نموده و روابط انتقال‌ناپذیر را می‌پذیرد. پایه روش دیمتل بر اساس این فرض بنا شده که یک سیستم شامل مجموعه‌ای از معیارهای $C = \{C_1, C_2, \dots, C_n\}$ است و مقایسه زوجی روابط میان آنها می‌تواند به وسیله معادلات ریاضی مدل شود. این تکنیک برای ساختن و تحلیل مدل‌های ساختاری مرتبط با روابط علی و معلولی پیچیده میان عوامل یک مسئله است. بدین منظور پرسشنامه مقایسات زوجی در اختیار ۵۰ محقق در رشته‌های جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی و ژئوپلیتیک قرار گرفت. با توجه به اینکه این تحقیق به تحلیل ژئوپلیتیکی روابط ایران و تونس بعد از وقایع بهار عربی می‌پردازد از منظر موضوع و روش به کار گرفته شده دارای نوآوری است.

یافته‌های تحقیق

انقلاب تونس در بیانیه‌های رسمی ایران

مقامات ایرانی با تشویق مردم تونس، بر لزوم احترام به خواست مردم تأکید کردند و از مردم تونس خواستند که مراقب مداخلات آمریکا و اسرائیل باشند. اکثر مقامات ایران معتقد بودند که انقلاب تونس یکی از نتایج و محصولات فرعی انقلاب اسلامی در ایران است. رامین مهمانپرست، سخنگوی

رسمی وزارت امور خارجه ایران بلافاصله پس از کناره‌گیری رئیس جمهور مخلوع تونس گفت: آنچه برای همه ما اهمیت دارد تحقق خواست مردم تونس در بهترین شرایط است، زیرا تونس می‌تواند نقش مهمی در جهان اسلام ایفا کند.

پس از تأیید پیروزی انقلاب، محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور ایران گفته بود که مردم تونس با شعارهای اسلامی که خواستار عدالت بودند، دیکتاتوری را از بین بردند. وی همچنین از غرب به ویژه آمریکا و اسرائیل خواست در امور تونس دخالت نکنند. احمدی نژاد تأکید کرد که مردم تونس به دنبال برقراری احکام اسلام هستند و دیگر هرگز تسلیم غرب نخواهند شد. رئیس جمهور ایران در پایان سخنان خود خطاب به مردم تونس از مردم خواست که توکل بر خدا و ایمان داشته باشند و عنایت الهی را فراموش و مبانی اسلامی را قربانی نکنند که لنگر پیروزی هستند.

در همین حال، ۲۲۸ نماینده مجلس ایران با صدور بیانیه‌ای ضمن یادآوری تاریخ با شکوه مبارزه تونس علیه استبداد و استعمار، از دیگر رژیم‌های عربی خواستند از آنچه در تونس رخ داد، عبرت بگیرند، حمایت خود را از انقلاب تونس اعلام کردند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، در ۱۳ بهمن ۱۳۹۰ در خطبه‌های نماز جمعه خود، موتور محرکه اصلی انقلاب تونس را احساس حقارت شدید در بین مردم دانستند نه دلایل اقتصادی که برخی تلاش کردند اهمیت آن را کم جلوه دهند. وی خاطر نشان کرد که واقعه تونس تنها تحقق پیش بینی‌های سال‌ها پیش امام خمینی (ره) بود. رهبر معظم انقلاب همچنین با بیان اینکه گزارش‌هایی در اختیار دارد که نشان می‌دهد رئیس جمهور سابق تونس در استخدام سیا بوده است، افزود: «نیروی محرکه اصلی این انقلاب، اسلام است، دلیل آن این است که بلافاصله پس از فرار خائن از کشور دانشجویان دختر شروع به پوشیدن روسری در دانشگاه کردند که رسانه‌های غربی آن را گزارش نمی‌کنند. رهبر انقلاب همچنین اظهار داشت: انگیزه دیگر ارتباط کشور با آمریکا بود و آمریکایی‌ها نمی‌خواهند این موضوع مطرح شود.

علی اکبر صالحی، وزیر امور خارجه ایران، در جبهه‌ای دیگر، درباره انقلاب تونس و تحولات منطقه عربی اظهار داشت: دوران هژمونی دولت آمریکا و مهندسی آن در منطقه به پایان رسیده است. او افزود که این نیز نشان دهنده پایان رژیم‌های غیرمردمی عربی است. همزمان، رئیس سازمان صدا و سیما، سید عزت الله ضرغامی، تأکید کرد که گرایش‌ها و مطالبات مردم شمال آفریقا و خاورمیانه، همگی متأثر از انقلاب اسلامی است.

در ادامه به عوامل ژئوپلیتیکی تأثیرگذار ایران در بهار عربی تونس بر مبنای مؤلفه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی پرداخته شده است.

مؤلفه اقتصادی

تونس و ایران تقویت روابط اقتصادی دوجانبه را از طریق تشکیل کمیسیون‌های مشترک دنبال کرده‌اند. در سال ۱۹۹۸، حسین کمالی، وزیر کار ایران، با شاذلی نغانی، وزیر امور اجتماعی تونس در تهران ملاقات کرد تا در مورد همکاری‌های دوجانبه در آموزش فنی و حرفه‌ای و برگزاری دوره‌های آموزشی برای کارگران گفتگو کند. در سال ۲۰۰۴، تونس و تهران چندین یادداشت تفاهم در مورد همکاری‌های اقتصادی، روابط انرژی و تجارت از طریق نشست کمیسیون مشترک اقتصادی امضا کردند. (Press TV, 2007) در همان سال، دو کشور قراردادی را برای ساخت مرکز تجاری ایران در تونس امضا کردند. در این دوران ایران به تونس به عنوان دروازه‌ای برای ورود به بازار شمال آفریقا نگاه می‌کند. در آن زمان مبادلات تجاری سالانه ایران و تونس ۴۵ میلیون دلار برآورد می‌شد که کمتر از حجم مطلوب ایران است. در سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ ایران (۲۱ مارس ۲۰۰۷ تا ۲۰ مارس ۲۰۰۸)، روابط تجاری ایران و تونس در مقایسه با دوره مشابه بین ۲۰۰۶-۲۰۰۷، ۶۰ درصد افزایش یافت. در سال ۲۰۰۷ شعبانعلی نظامی معاون وزیر کشاورزی ایران و محمد حبیب حداد وزیر کشاورزی و منابع آب تونس تفاهم نامه‌ای را امضا کردند که در آن با همکاری در بخش شیلات موافقت شد که گسترش همکاری‌های متقابل، تبادل کارشناسان و اجرای طرح‌های مشترک را نوید بخشید. (Fars News Agency, 2009) تجارت دوجانبه در سالهای ۲۰۰۷-۲۰۰۸ بالغ بر ۱۳۰ میلیون دلار بوده است. در سال ۲۰۰۹، رهبران تونس و ایران گسترش بیشتر همکاری‌های دوجانبه و اجرای توافقات قبلی را تشویق کردند. قرار بود در ژوئن ۲۰۱۰ در خلال دیدار حاتم الصائم سفیر تونس و مهدی غضنفری وزیر بازرگانی ایران، نشست اقتصادی برای بحث در مورد تجارت دوجانبه بین ایران و تونس برگزار شود. این یازدهمین نشست کمیته مشترک اقتصادی ایران و تونس بود که آخرین جلسه آن در مارس ۲۰۰۹ برگزار شد. در نهایت ارزش تجارت بین دو کشور در دوره مالی منتهی به ۱۹ فوریه ۲۰۰۹، ۵۳ میلیون دلار بود.

۱. توسعه تجارت خارجی: تجارت یک عامل اصلی در روابط ایران و تونس بوده است. در ۱۶ ژانویه ۲۰۰۷، دو کشور تلاش کردند توافقنامه تجارت ترجیحی را به امضا برسانند. روابط تجاری

در بخش‌های مختلف افزایش یافت و تعرفه‌های تجاری محصولات صنعتی خاص و محیطی مناسب برای پایداری توسعه و تجارت (قرارداد تجاری) ایجاد شد. در همان سال با وزیر کشاورزی تونس تفاهم نامه تقویت همکاری در بخش ماهیگیری امضا (ولمن، ۲۰۱۰) و داده‌های آماری در مورد تجارت دوجانبه تونس با ایران از موسسه ملی آمار (INS) *tique* (INS) بازایی شد. به طور خاص، دسته بندی تجارت بر اساس چهار بعد شامل: خودرو، مواد غذایی، کالاهای صنعتی/شیمیایی و کالاهای مصرفی صورت گرفت. در دوره ۲۰۰۵-۲۰۰۶، دوره تکامل IMP Auto تا حد زیادی از EXP Auto پیشی گرفت. در سال ۲۰۰۷، تونس ۱۶،۰۴۳،۷۲۲ DT و ۸۲۰۵۰ DT خودرو صادر کرد. این تفاوت ۱۵۹۶۱۶۷۲ DT تعجب آور نیست از آنجایی که تونس و ایران یک قرارداد ترجیحی امضا کرده بودند. قرارداد تجاری در همان سال به اوج خود رسید. بین سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۱، واردات به ۱،۳۰۶،۸۱۹ DT و صادرات به ۷۱۸۰ DT رسید. از این رو، جمهوری اسلامی ایران یک بازیگر مهم در بازار خودرو تونس است.

۲. تأمین مواد غذایی: علاوه بر این، ایران یک تأمین کننده استراتژیک بازار مواد غذایی تونس است. فعالیت ایران از نظر واردات و صادرات در بازار مواد غذایی تونس قابل توجه است. صادرات و واردات ۲۱ دسته مواد غذایی شامل کالاهایی مانند گوشت، غلات، سبزیجات و میوه‌ها است. صادرات خالص به جز در سال ۲۰۰۸ منفی است. در سال ۲۰۰۵، تونس ۸۱،۳۰۹ DT از کالاهای ایران وارد کرد؛ اما در سال ۲۰۰۷، واردات نسبتاً بالا باقی ماند (DT ۱۵۰۹۳۵۹) و صادرات به طور چشمگیری افزایش یافت. (DT ۳۵۷۸۷۸) این روند در سال ۲۰۰۸ معکوس شد. صادرات به ایران (DT ۱۷۹۰۳۲۶) بیش از واردات آن شد. (DT ۹۵۵۸۴۸) بین ۲۰۰۹ و ۲۰۱۱، این نسبت راکد ماند، اما واردات همچنان بالا بود. در سال ۲۰۰۸، صادرات تونس ارزش افزوده به ۲۸۳،۰۲۲،۶۸۴ DT و واردات به ارزش ۱،۳۹۲،۰۳۴ DT رسید. سپس EXP Ind/ Chem در سال ۲۰۱۱ به ۰ کاهش یافت. لازم به ذکر است که صادرات تونس به ایران در زمانی که پیامدهای فشار بین المللی افزایش یافت کاهش یافته بود. بین ۲۰۰۵ و ۲۰۱۱، واردات کالاهای مصرفی تونس از ایران افزایش یافت. در سال ۲۰۰۶ و در سال ۲۰۰۷، تونس صادراتی به ایران نداشت. در سالهای دیگر، ایران نسبت به ارزش بنادر تونس نسبتاً بی توجه است. تحلیل آماری مجدد ایران و تونس روابط بین ۲۰۰۵ و ۲۰۱۱ برخی از آنها را نشان می‌دهد: اولاً، ایدئولوژی مانع توسعه روابط با رژیم بن علی نبود و امضای آن برای تونس ویژگی امنیتی داشت. دوم، توسعه

دو جانبه روابط ایران با تونس نشان دهنده موضع مساعد اقدامات احمدی نژاد در قبال کشورهای عربی بود. سوم، سیاست خارجی تونس در قبال ایران ثابت کرد که بسیار عملگرا است.

۳. گفتگوها و قراردادهای اقتصادی - استراتژیک: در دوران صدارت مرزوقی تجارت محور اصلی روابط ایران و تونس بود که در فروردین ۱۳۹۱، علی اکبر صالحی با مو حامد لمینه شاخاری و جبلی به گفتگو در رابطه با امکان سرمایه گذاری مشترک بین ایران و تونس پرداختند. در مناسبتی دیگر، عبدس سلم به این دلیل که این امر باعث تسهیل یک انتقال موفق دموکراتیک می گردد، خواستار گسترش حجم تجارت با ایران شد. در ماه آگوست احمدی نژاد و مرزوقی در سال ۱۳۹۱ در اجلاس سران سازمان اسلامی کنفرانس (OIC) مکه با یکدیگر دیدار کردند. رئیس جمهور ایران برخی از مشترکات ایران را یادآور شد. محمد حسینی وزیر فرهنگ ایران و تونی - رفیق عبدالسلیم وزیر خارجه سیان محمد وزیر صنایع و تجارت تونس لمینه شاخاری نیز با یکدیگر گفتگوهایی داشتند. در سپتامبر ۲۰۱۳، وزیر کشور تونس با سفیر ایران در تونس برای تقویت پیوندهای جانبی در مناطق مختلف، به ویژه شوراها محلی، مدیریت بلایای طبیعی و عملیات امدادی جلساتی داشتند. در ماه اکتبر ۲۰۱۳، جمل گامرا، وزیر گردشگری تونس، نیز مانند سایر مقامات، این طرح را ترسیم کرد که زمینه های مشترک بین ایران و تونس به حمایت از گسترش روابط گردشگری علاقه دارد. علاوه بر این، بین ایران و تونس دیدار مقاماتی در اتاق بازرگانی ایران صنایع، معادن و کشاورزی (ICCIMA) توسعه تجارت در بخش های نفت و نفت ترولئوم، خودرو، کشاورزی، فسفات، دارویی، غذایی و خدمات مالی صورت گرفت. توزیع کالاها و خدمات نشان می دهد از نظر مزایا مثلاً، فسفات ها و نفت / خودروها از اجزای تجارت مربوطه به تونس و بسیار مهم هستند. مقامات هر دو کشور ساخت خط تولید خودرو ایرانی را در نظر گرفتند، ابتکاری که همزمان با این واقعیت که تونس خودرو تولید می کند و تونس به دنبال افزایش روابط اقتصادی با ایران است. هدف از این بخش، ارائه نمونه ای از روابط اقتصادی ایران و تونس است بین ۲۰۱۱ و ۲۰۱۴ بود.

۴. تجارت محصولات صنعتی و شیمیایی: روابط اقتصادی بین ۲۰۰۵ و ۲۰۱۱ نشان می دهد که تونس مشتری مهم بازار محصولات صنعتی و شیمیایی ایران بود. این وضعیت در سال ۲۰۱۱ تغییر کرد، یعنی IMP Ind/ Chem و EXP Ind/ Chem به طور بی سابقه ای افزایش یافت؛ زیرا تونس صادرکننده عمده مواد شیمیایی محصولات و کودهاست. ایران در سال ۱۳۹۰ صادرات

DT ۳۳۱۲۱۹ محصول صنعتی/شیمیایی به تونس و DT. ۲۰۲۹،۹۴۰ واردات داشته است که در سال ۲۰۱۴، ۸۹،۵۷ درصد رشد کرد. این موضوع در موضع‌گیری دولت مرزوقی نشان از این داشت که توانست یک رابطه نسبتاً متقارن با ایران ایجاد نماید. یک تغییر جزئی در صادرات و واردات در سال ۲۰۱۱ وجود دارد که دولت تونس واردات کالاهای مصرفی به ارزش ۱۰۱۱۲۴۲۰ DT از ایران و ۷۹۱۶۱ DT صادر کرده است. در ادامه در سال‌های دیگر، واردات به ۵،۰۶۱،۲۴۵ DT در سال ۲۰۱۲ کاهش یافت، برای رسیدن به ۳۲۹۶۵ DT تا پایان مارس -دستور زوکی EXP Cons حفظ وضعیت بوده است. به عبارت دیگر، رشد تعامل اقتصادی تهران با تونس در دوران ریاست جمهوری مرزوقی قابل مقایسه با دوره ۲۰۰۵-۲۰۱۱ کمتر بوده است.

۵. توسعه روابط دو جانبه: در سال ۲۰۱۶، وزیر خارجه سابق تونس بر تمایل کشورش برای ادامه روابط جانبی با ایران با اشاره به تاریخ همگرایی و رد ادعاهای مداخله ایران در امور داخلی تونس اشاره نمود. در این بین نسیم بیان کرد: می‌خواهیم روابط با ایران را گسترش دهیم. در ژوئن ۲۰۱۷، ظریف دیدار رسمی با رئیس جمهور تونس و وزیر امور خارجه داشت و سازوکارهایی را پیشنهاد کرد که مبنی بر تقویت روابط و تبریک به انتخاب مجدد روحانی بود. در این زمینه ظریف تأکید کرد: «هیچ وقفه‌ای در روابط دو کشور در هیچ زمینه‌ای وجود ندارد» و بر اهمیت گفتگوهای سیاسی تأکید کرد که در نزدیک کردن ملت‌ها نقش به‌سزایی داشت. در فوریه ۲۰۱۹، رئیس جمهور روحانی با سفیر تونس در تهران در مورد تمایل ایران برای توسعه دیدار و گفتگو کرد. روابط دوجانبه با تونس در همه سطوح از جمله اقتصاد و فرهنگ، با اشاره به عدم وجود موانعی که این طرح را مختل می‌کند موزد توجه قرار گرفت. بیش از این، ایران تأکید کرد که به دنبال توسعه روابط چند جانبه با کشورهای منطقه است و این بخش از سیاست خارجی آن در دستور کار قرار دارد. با مراجعه به INS، داده‌های ایران و تونس روابط تجاری بین ۲۰۱۴ و ۲۰۱۷ بررسی شد. دسته‌بندی‌های تجاری بر اساس چهار محور طبقه‌بندی شده‌اند: خودرو، مواد غذایی، داخل کالاهای صنعتی/شیمیایی و کالاهای مصرفی. بین ۲۰۱۴ و ۲۰۱۶، واردات خودرو تونس و صادرات آن قابل توجه بود. صادرات از ایران در سال ۲۰۱۵ به ارزش ۲۰۴۹۷۷ DT بوده است. پس از سال ۲۰۱۵، IMP Auto افزایش می‌یابد تا در سال ۲۰۱۶ به اوج خود رسید. (DT ۳۹۳۲۹۶۶) این افزایش با توجه به همکاری تولید خودرو بین ایران و تونس قابل پیش بینی بود. در دهه گذشته شرکت ایران خودرو (IKCO)، علاقه فزاینده‌ای به

تونس ابراز کرده است. این علاقه در پایان سال ۲۰۱۴ تحقق یافت، زمانی که وزیر صنعت، معدن و تجارت ایران بعد جدیدی از همکاری، یعنی تولید مشترک خودرو را پیشنهاد کرد. در دوران ریاست جمهوری السبسی، تونس حجم تجارت خود با ایران را افزایش داد. در سال ۲۰۱۶، ۱۰۳۱۰۳ DT کالاهای غذایی صادر کرد و ۲،۳۱۶،۲۸۷ DT واردات داشته است. این الگو در سال ۲۰۱۷ با حفظ ارزش واردات نسبتاً راکد بوده و صادرات به ۴۶۵۲۲۳ DT رسیده است. با شروع از سال ۲۰۱۴، صادرات خالص از ۴،۹۴۴،۲۱۱ DT در سال ۲۰۱۴ به ۱۲،۴۵۰،۷۶۶ DT در سال ۲۰۱۶ رسید. از سوی دیگر، از ۲۱،۲۲۷،۸۵۳ DTin ۲۰۱۴ به ۱،۵۸۴،۲۷۴ DT در سال ۲۰۱۶ کاهش یافت. در سال ۲۰۱۶، دو منحنی شروع به همگرایی کردند و تا سال ۲۰۱۷ موازی شدند. در نهایت، در سال ۲۰۱۴ به ۱۰۴۸۷۱ DT و در سال ۲۰۱۷ به حداکثر مقدار ۴۱۸۱۶۹ DT خود رسید.

مؤلفه فرهنگی

در ژانویه ۲۰۰۰، وزرای فرهنگ تونس و ایران یک مرکز فرهنگی برای تشویق روابط فرهنگی بیشتر بین تونس و جمهوری اسلامی ایران به طور خاص تأسیس کردند، برنامه شامل جنبه‌های مختلف فرهنگ از جمله گردشگری، آموزش و مذهب بوده است. در طول ریاست جمهوری احمدی نژاد، ایران و تونس یک نمایشگاه هنر اسلامی را در یک مرکز فرهنگی در قیروان به نمایش گذاشتند. مقامات تهران و تونس تأیید کردند که این حرکت به دنبال تقویت پیوندهای فرهنگی بوده است. بر این اساس روابط فرهنگی بین این دو کشور از ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ شامل سه جزء متعارف دین، گردشگری و زبان بوده است.

۱. **شیع در تونس:** قدمت شیعی در تونس به دوران خلافت فاطمی فاطمیون (۹۰۹-۹۶۹) می‌رسد که مسلمانان شیعه اسماعیلی در محور کابل - قاهره پس از شکست از خلافت عباسی سلطنت کرده بودند. بر خلاف ایران و عراق، تونس کشوری است که از نظر مذهبی همگن می‌باشد، یعنی اکثریت مردم مالکی هستند. جمعیت شیعه در این کشور دچار بحران از دست دادن هویت هستند. شیعیان آفریقا نتوانستند در جوامع خود جذب شوند و یک وحدت بینابینی ایجاد کنند. در سطح وسیع در دسترس بودن محدود مراکز و منابع علمی / مذهبی شیعه نیز وجود دارد. در

این بین می‌توان شاهد رشد تشیع در تونس بود که بدون شک، عوامل ایجاد کننده آن فراتر از مقیاس ملی است. اول، انقلاب ایران قدرت را به نفع جمعیت شیعه به دست آورد. در تونس لبنانی شیعه اعتراف می‌کند که آیت الله خمینی (ره) ثابت کرده است که دین و سیاست می‌توانند با هم آمیخته شوند. دوم، رسانه شیعه، کتاب و منابع آنلاین به عنوان تبلیغات عمل کرده‌اند و تلاش دارند تا مردم را به تشیع تشویق نمایند. المنار، یک کانال لبنانی وابسته به حزب الله از جمله پلتفرم‌های تلویزیونی اصلی است که معرفی تشیع را برعهده دارد. لبنانی بیان می‌کند که المنار نیروی اصلی تبلیغ تشیع است. او به طور خاص اشاره به شواهدی دارد که علمای شیعه و سنی به همگرایی دعوت می‌شوند و بر تأثیرگذاری حسن نصرالله، محمد مهدی شام -سیدین و محمدحسین فضل الله تأکید می‌کند. اصل ۶ قانون اساسی تونس می‌گوید که دولت «آزادی همسویی را در علم و اعتقاد، اعمال آزادانه دین اعمال و تضمین می‌کند (قانون اساسی تونس، ماده ششم). این بند قانون اساسی به رئیس جمهور بن علی اجازه داد اسلام را تحت هویت ملی بیشتر، برای ایجاد تعادل بین مردم و منافع سیاست خارجی قرار دهد. در واقع، رئیس جمهور یک موج سرکوبگر علیه اسلام‌گرایان را ترویج کرد؛ اما نسبت به آنها بی طرف ماند. عبداللطیف الحان -ناچی استدلال می‌کند که بن علی واقعاً این اجازه را به شیعیان داده است تا امکان مانور داشته باشند و این تاکتیکی برای مقابله با نفوذ سکولاریسم و مانع از رستاخیز بالقوه اسلام‌گرایی در صحنه سیاسی در نظر گرفته شده است.

۲. انجمن‌ها و اتحادهای شیعیان در تونس: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی^۱ (ICRO؛ ایمالیس)

ه‌یمالیس) که مستقیماً با جمهوری اسلامی ایران مرتبط است، در سال ۱۹۹۵ تأسیس شد. این سازمان با سازماندهی همایش‌هایی در این زمینه به دنبال «تعهد به فعالیت‌های فرهنگی خارج از ایران» است و دوره‌های رایگان آموزش زبان فارسی و تمدن ایرانی، پخش هفتگی فیلم ایرانی و برگزاری نمایشگاه هنرهای سنتی ایران از جمله آن است. سازمان شامل یک کتابخانه (کتابخانه پیامبر اعظم) می‌باشد که از منابع مختلفی از جمله موسیقی، دیسک‌ها و فیلم‌ها برخوردار می‌باشد. علاوه بر این، سازماندهی نمایشگاه‌ها، جشنواره‌های فیلم، قرآن و سفر به ایران را ترتیب می‌دهد. در سایت رسمی سازمان، ایران و تونس بنخاطر مشترکات تاریخی، کشورهای برادر محسوب

۱. رابطة الثقافة والعلاقات الإسلامیة.

می‌شوند. به ویژه بر نقش فرهنگی بخش سفارت ایران در تونس تأکید شده است و در نهایت منجر به اتحاد مردم تونس و ایران می‌شود. این سازمان در مورد روابط فرهنگ اسلامی بحث می‌کند و نسبت به فوران فرقه‌گرایی هشدار می‌دهد. و هدف آن صرفاً ایجاد ارتباط بیشتر بین تونس و ایران در زمینه‌های هنر و فرهنگ اسلامی است. فرهنگ تمایل زیادی به انتقال از گروهی به گروه دیگر دارد. در تونس حضور تشکل‌های ایرانی/شیعی و انجمن‌هایی که بسیاری از آنها مستقل است نمی‌تواند مانع گسترش تشیع شود. جامعه فرهنگی اهل بیت(ع) در اکتبر ۲۰۰۳ ایجاد شد. شاخه شورای جهانی شیعه در تونس به دنبال ادغام اعمال شیعه در سراسر جهان از طریق صدور اخبار، انتشار مقالات، و تأمین منابع شیعه اعمال مذهبی را سازماندهی می‌کند و آگاهی بین افراد را گسترش می‌دهد. با این حال، هدف گسترده‌تر آن احیای خیریه اهل بیت بوده است. در دوران ریاست جمهوری بن علی و احمدی نژاد، روابط تونس و تهران قوی شد. عادی سازی روابط رئیس جمهور تونس با شیعیان، پیچیدگی تعادل داخلی و بین المللی بن علی را آشکار می‌کند، که یکی از مخالفان سرسخت اسلام‌گرایان، تلاش کرد موضع خود نسبت به مذهب با عدم مقابله با شیعیان تونس را تعدیل کند. علاوه بر این، این اعتدال ظریف داخلی زمینه تحول آرام روابط تونس و ایران با افزایش قیام‌های اعراب را فراهم کرد، تونس ضعف جغرافیایی خود را به یک نقطه قوت عمده که صفوان مصری از آن به عنوان «یک ناهنجاری عربی» نام برده است و مقامات ایرانی فرصتی را تشخیص دادند که به یک عدم قطعیت منطقه‌ای غالب تبدیل نمود.

۳. دیپلماسی فرهنگی: وقتی انقلاب تونس به وقوع پیوست، آیت الله خامنه‌ای بیانیه‌های متعددی را برای معادل سازی اعتراض به انقلاب صادر کرد. در این زمینه مقامات ایرانی و هم‌تایان تونسی آنها اقدامات دیپلماتیک فراوان برای تبلیغ دینی روابط فرهنگی بیشتر در فروردین ۱۳۹۱ انجام دادند وزرای خارجه ایرانی و تونس بر اهمیت روابط فرهنگی دوجانبه تأکید کردند. این مصادف با افتتاحیه هفته فیلم ایرانی در تونس بود، رویدادی «به قصد خدمت به عنوان یک فرصتی برای تبادل فرهنگی و انتقال رفع موانع زبانی و بیان فرهنگی دیدگاه‌ها. عبدالسلیم بر نقش فرهنگ اسلامی در ایجاد زمینه مشترک برای ایران و تونس تأکید کرد. در نوامبر ۲۰۱۲، وزارتخانه‌های فرهنگ تونس و ایران و ICRO هفته فرهنگی تونس را برگزار کرد ابتکار برای گسترش هنر تونس مانند سینما، موسیقی و شعر در این رویداد، وزیر فرهنگ تونی برای تأسیس مراکز زبان

فارسی در این کشور ابراز تمایل کرد. همچنین از میراث تاریخی مشترک بین ایران و تونس یاد کرد، با بیان اینکه روابط قوی فرهنگی یک حافظ تاریخی مهم برای روابط سیاسی است. در سال ۱۳۹۳، نمایشگاه دیگری از فرهنگ ایرانی در تونس برگزار شد تا به عنوان جنبه‌های فرهنگ ایرانی مانند نقاشی‌ها، آداب و رسوم، خوشنویسی و موسیقی مورد توجه علاقمندان قرار گیرد. ذکر این نکته ضروری است که نهادهای فرهنگی دولتی در ایران و تونس برای برگزاری جشنواره‌ها سازماندهی شدند. در مورد هفته فیلم ایرانی، سازمان دهندگان آن وزارت فرهنگ تونس و دفتر فرهنگی ایران بودند. این عامل کنشگری جهانی، ایران و تونس را در بعد روابط فرهنگی افزایش می‌دهد.

۴. گردشگری فرهنگی: هنگامی که رئیس جمهور السبی انتخاب شد، اقتصاد تونس در حال ظهور بود، مردم بیکار و برخی از آنها به گروه‌های تروریستی در سوریه و عراق پیوسته بودند. بر همین اساس مقامات تونس سیاست خارجی عملی را انجام دادند که فضایی برای تامین نیازهای مالی تونس به کمک عربستان سعودی و قطر داشت. با این وجود در سال ۲۰۱۷، تونس به تعامل با هر دو کشور ادامه داد. در زمینه پراگماتیسم، السبسی روابط تاریخی ایران و تونس را در ایجاد یک پیوند سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حفظ نمود. برخلاف رفتار سنتی آن تونس، متحد عربستان سعودی، السبسی، روابط با ایران و تشیع را امنیتی نکرد و بند آموزشی در مورد آزادی پیروان مذهبی به روابط فرهنگی ایران و تونس اجازه داد به آرامی تکامل یابد. در سال ۱۳۹۶ وزیر فرهنگ ایران و وزیر امور مذهبی تونس برای گسترش گردشگری فرهنگی در تونس دیدار کردند.

۵. تبادلات فرهنگی: روابط دوجانبه میان تونس و ایران در دهه گذشته گسترش یافته است. در ژانویه ۲۰۰۰، وزیر فرهنگ تونس، عبدالباکی الحرامسی و همتای ایرانی وی عطا الله مهاجرانی، یک برنامه تبادل فرهنگی و علمی سه ساله را آغاز کردند که بر موضوعات آموزش ابتدایی و آموزش عالی، بهداشت، گردشگری، ورزش و امور اسلامی متمرکز بود (arabicnews.com) در فوریه ۲۰۰۸، پرویز داوودی معاون اول رئیس جمهور ایران با عقیف چلبی وزیر صنعت و انرژی تونس برای بحث در مورد گسترش روابط دوجانبه در همه زمینه‌ها گفتگو کرد (www2.ima.com). روابط دوجانبه ایران و تونس نیز از طریق تبادل فرهنگی متجلی می‌شود. ایران و تونس در دسامبر ۲۰۰۹ نمایشگاه مشترکی از آثار خوشنویسی اسلامی را در مرکز

فرهنگی اسد بن الفورات تونس در شهر قیروان افتتاح کردند (www.presstv.com). هر دو کشور این نمایشگاه را فرصتی برای نزدیک‌تر کردن هنرمندان و به اشتراک گذاشتن تجربیات هنری و فرهنگی دو کشور توصیف کردند (www.presstv.com).

۶. **برگزاری رویدادهای فرهنگی:** بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴، ایران چندین بار تولیداتی برای ایجاد روابط فرهنگی با تونس را انجام داد. بیشتر مقامات از هر دو کشور بازدیدهایی انجام دادند که منجر به برگزاری رویدادهای مختلف فرهنگی از جمله هفته‌های فرهنگی ایران و تونس و جشنواره فیلم نیان شد. علاوه بر این، انجمن‌هایی مانند CRO نقش برجسته‌ای در رسمی شدن پیوند فرهنگی ایران و تونس داشتند. در دسامبر ۲۰۱۴، السبسی برنده انتخابات ریاست جمهوری با پیروزی قاطع شد و وی میراث سیاسی عملگرا بین سال ۲۰۱۴ و ژوئیه ۲۰۱۹، را بر عهده گرفت که روابط فرهنگی بین ایران و تونس را افزایش داد.

مؤلفه سیاسی

در سال ۱۳۳۵ نماینده‌ای از سوی رژیم سابق ایران به تونس اعزام گردید. هدف از اعزام وی تحکیم روابط مودت آمیز بین دو کشور بود. پس از مذاکرات ابتدایی و انجام مقدمات کار، سفارت ایران در تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۳۶ در تونس تأسیس شد و شروع به فعالیت نمود. حبیب بورقبیه رئیس جمهور وقت تونس در سال ۱۳۴۳ از ایران دیدار به عمل آورد و در پی این سفر اعلامیه مشترک بین طرفین به امضا رسید که حاکی از تمایل طرفین به بسط و توسعه همه جانبه روابط بوده است. بنابراین تمایل دو جانبه، موافقت نامه بازرگانی بین دو کشور به امضا رسید و شاه سابق ایران در آوریل ۱۹۶۹ به تونس سفر کرد. دولت تونس تا سال ۱۳۵۱ در ایران دارای سفیر اکر دیته (مقیم آنکارا) بود؛ ولی در این تاریخ اقدام به افتتاح سفارت در تهران نمود. روند توسعه روابط بین دو کشور در محدوده ممکن یعنی وابستگی ایران به قطب امریکایی و وابستگی تونس به قطب فرانسوی جهان غرب تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران ادامه داشت. در سال ۱۹۸۲ دولت تونس به بهانه صرفه جویی در امور مالی و مخالفت این کشور با جنگ تحمیلی نمایندگی خود را در تهران تعطیل کرد و به نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در تونس اجازه داد که به فعالیت‌هایش ادامه دهد. این حضور یک طرفه با فشارها و محدودیت‌های گوناگونی نیز همراه بود و جمهوری اسلامی ایران نیز سطح نمایندگی را عملاً به سطح کاردار تنزل داد. به موازات این جریان‌ها و در طی زمان ابتدا نشریات و

مطبوعات محلی، شروع به تضعیف در رابطه با جمهوری اسلامی ایران نمودند و اکاذیبی چون اعلامیه‌های نظامی رژیم بعثی عراق و خرید اسلحه از رژیم اشغالگر قدس توسط جمهوری اسلامی ایران را درج و نشر دادند. این روند رو به تزاید در نهایت موجب موضع‌گیری‌های صریح مقامات عالی‌تونس در رابطه با جمهوری اسلامی ایران بخصوص در چارچوب جنگ تحمیلی گردید و تونسی‌ها آشکارا از موضع عراق حمایت کرده و در مجامع بین‌المللی بخصوص در رابطه با مسائل مربوط به حقوق بشر به ضرر ایران رأی می‌دادند. قابل ذکر است که فرار محمد مزالی نخست‌وزیر اسبق تونس در سال ۱۹۸۵ و متعاقب آن جایگزینی هادی مبروک به جای باجی قائد السبسی وزیر خارجه سابق تونس نقطه عطفی در رابطه با نزول بیشتر روابط دو کشور و اتخاذ مواضع منفی از طرف تونس علیه جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردد که نهایتاً در تاریخ ۱۳۶۶،۰۱،۰۶ در حالیکه حکومت بورقیه آخرین ماه‌های عمر خود را طی می‌کرد، کاردار وقت ایران در تونس به وزارت خارجه احضار و به وی اطلاع داده می‌شود که باید به همراه کلیه کارکنان ایرانی سفارت خاک تونس را ترک نماید و به این ترتیب روابط دو جانبه به طور کامل قطع شد. بعد از سه سال قطع رابطه بین طرفین در تاریخ ۱۳۶۹،۰۷،۰۲ با بیانیه مشترک دو کشور مجدداً روابط از سر گرفته شد. روابط جمهوری اسلامی با تونس در سطح کاردار برقرار شد و از تابستان ۱۳۷۲ با ارتقای سطح روابط میان دو کشور، نخستین سفیر ج.ا.ا. در تونس فعالیت‌های خود را آغاز کردند. البته دولت تونس نیز در حدود دو سال قبل از این تاریخ، به تهران سفیر اعزام نموده بود. سفارت ایران در پی از سرگیری روابط سیاسی ایران و تونس از سال ۱۳۷۲ مشغول فعالیت است.

۱. پرونده هسته‌ای: در سال ۲۰۰۷، زین العابدین بن علی، رئیس‌جمهور تونس اظهار داشت که «ایران حق استفاده از فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز را دارد. در دیدار پرویز داوودی معاون اول رئیس‌جمهور ایران با عقیف چلبی، وزیر صنعت و انرژی تونس در فوریه ۲۰۰۸، چلبی حمایت کشورش از تلاش‌های ایران را اعلام کرد و از ملت و دولت ایران بابت موفقیت‌های هسته‌ای این کشور قدردانی کرد و افزود که گزارش آژانس به وضوح ماهیت کاملاً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران را تأیید می‌کند.

۲. افزایش حساسیت کشورهای عربی نسبت به ایران: در واقع با وقوع بیداری اسلامی در منطقه تنش بین ایران و کشورهای عرب حوزة خلیج فارس تشدید شد در پی این تحولات نفوذ ایران به طور بالقوه‌ای گسترش پیدا کرد. به عنوان مثال در مصر پس از سقوط حسنی مبارک، روابط

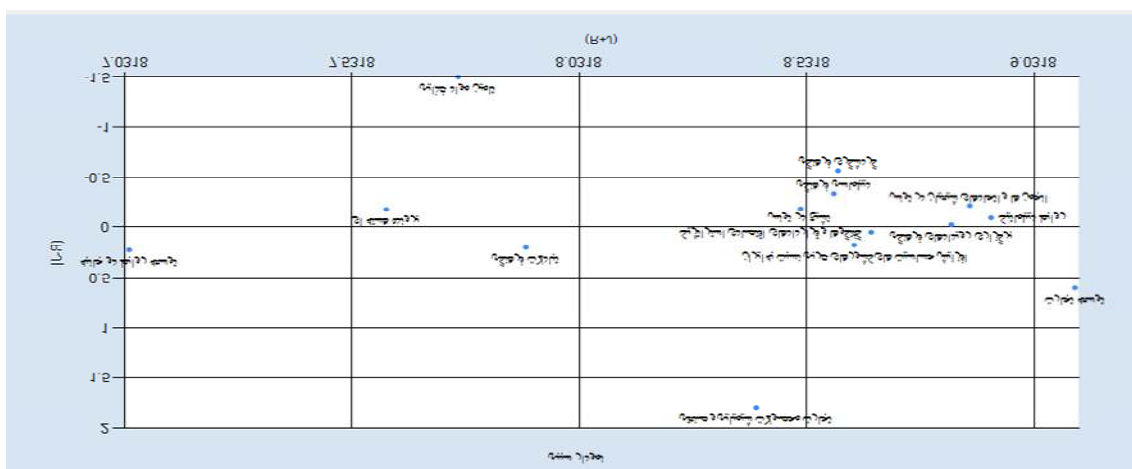
با تهران بهبود یافت و همچنین عبور دو کشتی جنگی ایران از کانال سوئز برای رسیدن به سوریه برای کشورهای عربی سواحل خلیج فارس نگران کننده بود. چرا که تحولات جهان عرب ضمن اینکه نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران را افزایش داد به همان اندازه بر حساسیت کشورهای منطقه از اهداف حضور ایران در این تحولات افزود. به طور کلی در تحولات، کشورهای کویت و اردن منافع خود را در همراهی با محور عربستان و آمریکا یافتند و ایران را آماج اتهامات بی‌اساس خود قرار دادند. بحرین و یمن نیز که در مرکز تحولات قرار دارند از نفوذ ایران در میان شیعیان کشورشان در هراس بودند. البته در این میان نباید تلاش بسیاری از دولت‌های سکولار در کشورهای مختلف خاورمیانه برای زدودن دین را از نظر دور داشت که البته نتیجه مطلوب را به دست نداد و حتی در مقام عکس‌العمل به شکل‌گیری هسته‌های مقاومت و گروه‌های بنیادگرا در منطقه نیز انجامید.

یافته‌های میدانی

تکنیک دیمتل توسط فونتال گابوس در سال ۱۹۷۱ ارائه شده است و یکی از روش‌های تصمیم‌گیری براساس مقایسات زوجی است که نتایج حاصل از آن با مراجعه به نخبگان بدست خواهد آمد. از این تکنیک در استخراج عوامل سیستمی و ساختاردهی نظام‌مند استفاده می‌شود. از آنجا که گراف‌ها به خوبی نشان‌دهنده روابط عناصر با یک سیستم را نشان می‌دهند لذا این تکنیک مبتنی بر نمودارهایی است که می‌تواند عوامل درگیر را به دو گروه علت و معلول تقسیم نماید و رابطه میان آنها را به صورت یک مدل ساختاری قابل درک در آورده. محققینی که برای این بخش از پژوهش انتخاب شدند شامل ۵۰ متخصص در جغرافیا و ژئوپلیتیک بودند. با توجه به اینکه تمامی عناصر تشکیل دهنده تحلیل ژئوپلیتیکی در ارتباط با یکدیگر و در غالب یک رویکرد سیستمی مطرح می‌شوند و دارای ارتباطات گسترده‌ای هستند برای تعیین میزان این ارتباطات از روش سیستمی دیمتل استفاده شد که در ادامه به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود:

جدول ۱: محاسبه روابط میان عوامل

شاخص	مجموع ستونی R	مجموع ستونی J	J-R	J+R
تجارت محصولات شیمیایی و صنعتی	3.3112	5.1095	1.7983	8.4207
توسعه تجارت	4.259	4.8631	0.6041	9.1221
روابط دیپلماتیک	4.5132	4.4243	-0.0889	8.9376
برگزاری رویدادهای فرهنگی	4.4359	4.414	-0.0219	8.85
افزایش حساسیت های کشورهای عربی نسبت به ایران	4.2286	4.4079	0.1793	8.6365
گفتگوها و قراردادهای اقتصادی استراتژیک	4.3105	4.3632	0.0527	8.6737
انجمن ها و اتحادهای شیعیان در تونس	4.5509	4.3397	-0.2113	8.8906
تشیع در تونس	4.3486	4.1698	-0.1788	8.5183
دیپلماسی فرهنگی	4.4611	4.1302	-0.3309	8.5913
تبادلات فرهنگی	3.8559	4.0583	0.2023	7.9142
گردشگری فرهنگی	4.5824	4.0184	-0.564	8.6008
پرونده هسته ای	3.8897	3.7172	-0.1725	7.6069
توسعه روابط دو جانبه	3.4068	3.6345	0.2277	7.0413
تأمین مواد غذایی	4.6305	3.1345	-1.496	7.7651



شکل ۱-۴: روابط علی و معلولی بین شاخص‌ها

بررسی عوامل براساس ۱۴ معیار و شاخص مطابق جدول (۱) پرداخته شد. برای بررسی معیارها از نظر ۵۰ خبره استفاده شده است. میزان اهمیت شاخص‌ها ($J_i + R_i$) و رابطه بین معیارها ($J_i - R_i$) مشخص می‌گردد. اگر $J_i - R_i > 0$ باشد معیار مربوطه اثرگذار و اگر $J_i - R_i < 0$ باشد معیار مربوطه اثرپذیر است. جدول بالا، $J_i - R_i$ و $D_i + R_i$ را نشان می‌دهد. نمودار (۱-۴) میزان اهمیت و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بین معیارها را نشان می‌دهد. بردار افقی ($J + R$) میزان تأثیر و تأثر عامل مورد نظر در سیستم است. به عبارت دیگر هرچه مقدار $J + R$ عاملی بیشتر باشد، آن عامل تعامل بیشتری با سایر عوامل سیستم دارد. متغیرهایی مانند توسعه تجارت، روابط دیپلماتیک، برگزاری رویدادهای فرهنگی، افزایش حساسیت‌های کشورهای عربی نسبت به ایران، گفتگوها و قراردادهای اقتصادی استراتژیک، انجمن‌ها و اتحادهای شیعیان در تونس، تشیع در تونس، دیپلماسی فرهنگی و ... در منطقه نشان دهنده تعامل بالا و ارتباط سیستمی قوی با سایر متغیرها هستند. از سویی دیگر همانگونه که ملاحظه می‌گردد بردار عمودی ($J - R$) قدرت تأثیرگذاری هر عامل را نشان می‌دهد. متغیر تجارت محصولات شیمیایی و صنعتی، توسعه تجارت، توسعه روابط دو جانبه، تبادلات فرهنگی، افزایش حساسیت‌های کشورهای عربی نسبت به ایران، گفتگوها و قراردادهای اقتصادی استراتژیک و ... علت این مدل سیستمی محسوب می‌شوند. و عواملی مانند روابط دیپلماتیک، برگزاری رویدادهای فرهنگی، گردشگری فرهنگی، پرونده هسته ای، انجمن‌ها و اتحادهای شیعیان در تونس، تشیع در تونس، دیپلماسی فرهنگی و ... به عنوان معلول نمایش داده شده است.

نتیجه گیری

استراتژی ژئوپلیتیک ایران با هدف تحکیم جمهوری اسلامی به عنوان یک قدرت منطقه‌ای عبارتند از: (۱) بهبود، یا حداقل مدیریت، روابط با همسایگان نزدیک و کشورهای کلیدی اسلامی. روابط با ترکیه و عربستان سعودی عراق، لبنان، فلسطین و مناطق دیگر از عوامل کلیدی در موقعیت منطقه‌ای ایران برای نفوذ هستند. (۲) تحکیم برتری منطقه‌ای ایران با قابلیت‌های فنی بومی برنامه هسته‌ای کشور، آزمایش‌های موشکی و پرتاب ماهواره. (۳) ایستادگی در برابر غرب. سخنان آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر ایران، قصد «تسلیم نشدن» را در برابر فشار غرب دارد. رویکرد ایران در بن بست هسته‌ای نمونه خوبی برای این موضوع است محکومیت سابقه تاریخی به ایران نشان داده است که قدرت‌های

غربی تمایل به پذیرش این وضعیت دارند که ایران یک قدرت منطقه‌ای است. جمهوری اسلامی روی چنین پذیرش نهایی حساب باز کرده است. فضیلت اصلی از دیدگاه ایران صبر بوده است. تصمیم‌گیرندگان در تهران می‌دانند که هزینه این استراتژی بالاست - تحریم، انزوا و درگیری قابل چشم‌پوشی نیست - اما آنها معتقدند که ایران باید نقش یک قدرت منطقه‌ای پذیرفته شده را بر عهده گیرد.

این یک یادآوری هوشیارانه به رقبای خود است که تهران از بن بست فعلی عقب نشینی نخواهد کرد. با گسترش این رقابت، صحنه سیاسی در حال تغییر اعراب نشان داده است که بهار عربی برای ایفای نقش تعیین‌کننده در آینده منطقه حائز اهمیت است. بنابراین، ایران تداوم موج دموکراسی عربی را نه تنها به عنوان چالشی برای وضعیت موجود می‌داند بلکه اشاره می‌کند قدرت‌های موجود روی نظمی سرمایه‌گذاری می‌کنند که انقلاب را سرکوب می‌کند، همچنین برای قدرت‌هایی که ادعای قدرت دارند برای آنها تهران به عنوان گسل قدرتمند احتمالی جدید در منطقه است و همینطور خواهد بود زیرا شاهد خلاء ناشی از رو به زوال وضع موجود آمریکا، اسرائیل و عربستان هستیم. در گذشته رقابت بین قدرت‌ها در بعد نرم و سخت وجود داشته است، اما با تداوم تحولات سیاسی اعراب، گزینه‌های قدرت سخت غیر دیپلماتیک در منطقه بدون در نظر گرفتن ریسک غیرقابل دفاع می‌شوند. قدرت نرم نبرد برای قلب‌ها و ذهن‌ها که برای تصمیم‌گیران در تهران اهمیت فزاینده‌ای پیدا می‌کند. برای این منظور، ایران مانند رقبای خود با یک سؤال مواجه است: هدف ابزار اصلی ایران برای دستیابی به رهبری منطقه‌ای قدرت نرم آن در منطقه بوده است که ریشه در رد وضعیت موجود ایالات متحده، اسرائیل، سعودی همراه با سرمایه‌گذاری مالی و سیاسی در بین جناح‌های سیاسی در سراسر منطقه خواهد داشت این تغییرات، جمهوری اسلامی را قادر می‌سازد تا از پیروزی‌های مردمی اعراب استفاده کند؟ یا بنیان قدرت نرم ایران را تضعیف می‌کند و از این طریق به رقبای خود اجازه می‌دهد تا نفوذ بیشتری داشته باشند؟ شش ماه پس از بهار عربی، استراتژی تهران محتاطانه و واکنشی به دلیل مشکلات داخلی و مبتنی بر محدودیت‌های درک شده بود. برای ایران، پیروزی در بهار عربی و در نتیجه، تسلط منطقه‌ای نیاز به استفاده از قدرت نرم دارد که آرزوهای سیاسی، اقتصادی، و آزادی‌های اجتماعی تحولات منقطع را نشان می‌دهد و فرصت‌هایی که ایران بهتر بود از آنها استفاده کند.

سیاست ایران در قبال تونس در طول انقلاب و پس از انقلاب با احساس تناقض مشخص می‌شد، زیرا این کشور به دنبال حرکت برای برقراری ارتباط با نیروهای سیاسی و نخبگان فرهنگی بدون حمایت عملی از دولت تونس از نظر اقتصادی بود. به ویژه، سیاستی را بر اساس حمایت از احزاب خاص از جانب کسانی که به مواضع یا جهت گیری‌های سیاسی آن نزدیک بودند، اتخاذ کرد. عربستان سعودی در مورد روابط تونس، به فعالیت ایران در رابطه با تونس تردید داشت. بنابراین این کشور سد راه تحکیم روابط ایران و تونس به طور خاص و روابط اعراب و ایران به طور کلی بود. با این حال، سال‌های پس از وقایع انقلاب تونس در سال ۲۰۱۱ علاقه فزاینده‌ای بین ایران و تونس ایجاد شد. جایی که مقامات ایرانی بر اهمیت توسعه و تقویت روابط با تونس تأکید کردند و این عامل در اظهارات رسمی آنها منعکس شد. به صورت کلی می‌توان بیان نمود با توجه به اینکه سنت‌های تاریخی، موقعیت جغرافیایی، منافع و اهداف دولتها در تصمیمگیری سیاست خارجی آنان بسیار مؤثر است؛ داده‌های سیاست خارجی مجموعه‌ای ترکیبی از عوامل تغییرپذیر و تغییر ناپذیر را رقم می‌زنند. یافته‌ها حاکی از آن بود که در دولت موسوم به عدالت محور احمدی نژاد، درگیر بودن در برخی تنش‌های داخلی و فقدان رویه‌ای ثابت در سیاست خارجی و در دولت موسوم به اعتدالگرا روحانی، تمایل بیش از حد به روابط با غرب و درگیر بودن با برجام، توسعه روابط را با کشورهایی مانند تونس را کند کرد و زمینه‌های تاریخی، اشتراکات فرهنگی و سیاسی به همراه فرصت شکل گرفته از بیداری اسلامی نیز نتوانست به این روابط کمک چندانی کند.

منابع

- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۰)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات پاپلی، چاپ سوم.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۵). طراحی مدل سنجش قدرت ملی کشورها، فصلنامه ژئوپلیتیک، تهران، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۵
- Abusharif, I. N. (2014). Parsin "Arab Spring". Qatar: Northwestern University
- Aissa, L. C. (2012). The Arab Spring: Causes, Consequences, and Implications. PENNSYLVANIA: U.S. Army War College
- Abouzeid. R (2011). Bouazizi: The Man Who Set Himself and Tunisia immolated. Times. Retrieved from <http://content.time.com/time/magazine/article/0,9171,2044723,00.html>
- Becheikh Nizar. (2021). Political stability and economic growth in developing economies: lessons from Morocco, Tunisia and Egypt ten years after the Arab

- Spring. *Insights into Regional Development*, 2021, 3 (2), pp.229 - 251. (10.9770/ird.2021.3.2(5)). (hal-03583934)
- Barakat, Zahraa, and Ali Fakih. (2021). "Determinants of the Arab Spring Protests in Tunisia, Egypt, and Libya: What Have We Learned?" *Social Sciences* 10, no. 8: 282. <https://doi.org/10.3390/socsci10080282>
 - Collier, Paul, and Anke Hoeffler. (2004). *Greed and Grievance in Civil War*. *Oxford Economic Papers* 56: 565–95.
 - Fisher, Ronald J. (1990). *Needs Theory, Social Identity and an Eclectic Model of Conflict*. In *Conflict: Human Needs Theory*. Edited by Burton John. London: Palgrave Macmillan UK, pp. 89–112
 - Fakher, Hafssa El Abiar (2019). *INSIDE THE COMPLEXITY OF IRAN-TUNISIA RELATIONS: KHOMEINISM, BOURGUBISM, REALPOLITIK*, 2019 Center for Iranian Studies in Ankara (İRAM).
 - Kuznetsov, V. (2022). *The Jasmine Revolution in Tunisia and the Birth of the Arab Spring Uprisings*. In: Goldstone, J.A., Grinin, L., Korotayev, A. (eds) *Handbook of Revolutions in the 21st Century. Societies and Political Orders in Transition*. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_24
 - McKay, Alistair. (2011). *The Arab Spring of Discontent*. *E-International Relations*. pp. 4–51. Available online: <http://www.e-ir.info/wp-content/uploads/arab-spring-collection-e-IR.pdf>
 - Mello, Patrick A. (2010). Review article: In Search of New Wars: The Debate about a Transformation of War. *European Journal of International Relations* 16: 297–309
 - Parchami Ali (2012) *The ‘Arab Spring’: the view from Tehran*, *Contemporary Politics*, 18:1, 35-52, DOI: 10.1080/13569775.2012.651272
 - Pollack, Kenneth M., and Project Muse. (2011). *The Arab Awakening: America and the Transformation of the Middle East*, Brookings Institution, Washington, DC, 2011. doi:10.7864/j.ctt1280ww. Chapter 3
 - Sabry, B. (2012). *The Origin of the Term Arab Spring*. "An Arab Citizen". Retrieved from: <http://anarabcitizen.blogspot.ca/2012/01/origin-of-term-arab-spring.html>
 - Mohammad Abdul – AL-Rahman Younis Al – Obaidy, (2021). *Iran and Tunisia: A Study of Political Relations of the Two Countries 1989-2011*, *JOURNAL OF HISTORICAL & CULTURAL STUDIES* an academic magazin2021, Volume 12, Issue 1/49, Pages 188-207
 - Netterstrøm, K. L. (2015). *The Islamists’ Compromise in Tunisia*. *Journal of Democracy*, 26(4), 110–124. doi:10.1353/jod.2015.0055
 - *Iran, Tunisia Hold Islamic Calligraphy Exhibition*,” *PressTV*, December 20, 2009, <http://www.presstv.com/detail.aspx?id=114227§ionid=351020105> (February 7, 2010)

- "Iran to Build Biggest Trade Center in Tunis," Payvand, July 23, 2004, <http://payvand.com/news/04/jul/1179.html> (February 7, 2010)
- "Iran, Tunisia Review Cooperation," Fars News Agency, January 15, 2009
- Tunisia, Iran Sign Cultural Exchange Agreement," Arabic News.Com, January 13, 2000, <http://www.arabicnews.com/ansub/Daily/Day/000113/2000011349.html> (January 17, 2010)
- Iran, Tunisia Call For Broadening of Mutual Relations," IRNA, February 25, 2008, <http://www2.irna.com/ar/news/view/line-17/0802257935182846.htm> (February 7, 2010)

-

Geopolitical analysis of relations between Iran and Tunisia after the events of the Arab Spring

Reyhaneh Saleh Abadi¹

Postdoctoral student of Political Geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Abstract

The region of North Africa and the Middle East is considered one of the important geopolitical regions, which has been the focus of regional and extra-regional powers for a long time. Meanwhile, in the last days of 2010, Tunisia witnessed massive protests due to the self-immolation of a young man named Mohamed Bouazizi, which entered a new phase on January 14, 2011, when Ben Ali fled. During Ben Ali's time, Tunisia had very close relations with the United States of America and France, but after the popular protests of these countries, they demanded to accept the structural changes in this country. In the meantime, the Islamic Republic of Iran also opened relations with Tunisia after the revolution in this country due to historical, religious and cultural affinities. Therefore, we can witness the expansion of relations between the two countries in the regional and international arena. This article seeks to answer this question, what factors are effective in the geopolitical relations between Iran and Tunisia in the era after the Arab Spring? In the current research, the descriptive-analytical method and Dimetal technique were used. The findings of the research showed that variables such as trade development, diplomatic relations, holding cultural events, increasing the sensitivity of Arab countries towards Iran, strategic economic dialogues and agreements, Shiite associations and alliances in Tunisia, Shiism in Tunisia, cultural diplomacy. And... in the region, it has shown a high importance in the relations between the two countries after the Arab Spring. Therefore, in order to succeed in its relations with Tunisia, the Islamic Republic of Iran should make the most of its economic and Shiite factors.

Keywords: geopolitics, Arab Spring, Iran and Tunisia.